

رقابت فرانسه با ترکیه در مدیترانه

سیاست مدیترانه‌ای فرانسه که براساس پیشبرد میراث استعماری این کشور است، این فرصت را به پاریس می‌دهد تا از نظر ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی نفوذ سیاسی خود را در سرزمین‌های امپراتوری عثمانی در غرب آسیا و شرق مدیترانه گسترش دهد. این واقعیت که فرانسه تلاش می‌کند نفوذ سیاسی خود را در این مناطق حفظ نماید، به وضوح سیاست خارجی ترکیه را به چالش می‌کشد و البته بالعکس آن نیز صدق می‌کند که حضور ترکیه در منطقه می‌تواند سیاست خارجی فرانسه را به چالش بکشد. به عنوان مثال، در سال ۲۰۱۹، توافق لیبی و ترکیه در مورد پیمان مرزی دریایی، به منظور ایجاد منطقه انحصاری اقتصادی در دریای مدیترانه، توسط فرانسه به عنوان یک تهدید واقعی علیه اتحادیه اروپا تلقی شد. در این راستا رهبران فرانسه به منظور بسیج افکار عمومی علیه ترکیه در سطح ملی، اروپایی و بین‌المللی، سیاست ضدترکیه‌ای را ترویج کرده‌اند که بر راهبرد حمایت از مواضع کشورهای اروپایی، به‌ویژه یونان و قبرس متمرکز است. تحت این شرایط، راهبرد مورد نظر فرانسه در منطقه اصرار دارد که اتحادیه اروپا با حمایت سیاسی و دیپلماتیک از یونان و قبرس، رویکرد سیاسی حذفی را در قبال ترکیه اتخاذ نماید، اگرچه اکثر کشورهای اتحادیه اروپا به دلایل استراتژیک خاص ترجیح داده‌اند که کانال‌های گفت‌وگو با ترکیه را مسدود نکنند. با این حال، فرانسه و سیاستمداران فرانسوی بر ویژگی‌های اسلامی و ضد اروپایی ترکیه به عنوان بخشی از یک راهبرد ژئوپلیتیکی گسترده‌تر تمرکز دارند که هدف آن ارزیابی ترکیه به عنوان یک تهدید خارجی برای سیاست خارجی فرانسه است. سیاستمداران فرانسوی سعی کرده‌اند این سیاست را بر اساس عناصر تاریخی، مشابه دکترین برخورد تمدن‌های هانتینگتون، مبتنی بر تضادهای فرهنگی و تاریخی غرب و شرق قرار دهند. در این روند، آنها لفاظی‌های ضد اسلامی و ضد ترکیه را با هم ترکیب می‌کنند تا افکار عمومی اروپا و فرانسه را علیه آنکارا تحریک نمایند و رای‌دهندگان خود را متقاعد کنند که سیاست خارجی تهاجمی ترکیه در شرق مدیترانه برای امنیت فرانسه و اتحادیه اروپا تهدیدزاست، حتی اگر فرانسه و بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا هیچ مرز دریایی در دریای مدیترانه شرقی نداشته باشند. از دیدگاه ژئوپلیتیک، فرانسه ممکن است تصور کند که همسایگان جنوبی لیبی، چاد، نیجر، مالی و سودان و احتمالاً تونس و الجزایر، به طور بالقوه مناطق بعدی نفوذ ترکیه خواهند بود که می‌تواند به این معنی باشد که تأثیری که فرانسه بر این کشورها می‌گذارد، در معرض خطر قرار خواهد گرفت. به عبارت دیگر، افزایش نفوذ ترکیه در منطقه می‌تواند به تغییر شکل ترکیب قدرت در شمال و مرکز آفریقا منجر شود و این به ضرر فرانسه است که تلاش می‌کند سیاست رهبری در مدیترانه را دنبال نماید. مجموع این رویکردها باعث شده است تا دولت امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور کنونی فرانسه، از نقش فرانسه به عنوان پلیس مدیترانه برای تنظیم مجدد سیاست خارجی این کشور در برابر ترکیه دفاع کند و سیاست مدیترانه‌ای که عمدتاً شامل حذف ترکیه از منطقه به منظور نفوذ مجدد در خاورمیانه و شرق مدیترانه می‌شود را در ملاحظات ژئواستراتژیک خود برجسته نماید.

بدین ترتیب امانوئل مکرون، سهم کشورش را در شرق مدیترانه و آنچه که در گفت‌مان فرانسوی به‌عنوان خاور نزدیک بزرگ از آن یاد می‌شود، افزایش داده است. مکرون از طریق مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و ارائه طرح‌های سیاسی، به دنبال پیشبرد چشم‌اندازی برای منطقه است که تا حدی مبتنی بر واقعیت‌های ژئوپلیتیکی نوظهور باشد که شامل خروج ترکیه از ناتو، کاهش قدرت آمریکا در منطقه و مسائل مرتبط با انرژی و گفتمانی مبتنی بر مفهوم همزیستی فرانسوی می‌باشد. به نظر می‌رسد اتخاذ چنین راهبردهایی از سوی فرانسه خواهد توانست محیط ژئواستراتژیک را تغییر دهد و ترس از دست دادن منطقه نفوذ باعث یکسری اقدامات تحریک‌آمیز شود که مستقیماً اتحادیه اروپا را با چالش‌های اساسی مواجه نماید. اگرچه هم‌کنون ترکیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای سیاست‌های خود را در غرب آسیا و آفریقا و دریای مدیترانه عملیاتی می‌کند و این مسئله نگرانی‌هایی را برای فرانسه که مدعی رهبری این مناطق است، ایجاد کرده اما پاریس باید بپذیرد که آنکارا به عنوان یک شریک راهبردی ناتو و ایالات متحده آمریکا، در قلب مسائل ژئواستراتژیک ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیک در منطقه مدیترانه قرار دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و از معادلات منطقه‌ی یورو-مدیترانه حذف نمود. ضمن اینکه دستوردهای ژئوپلیتیکی که ترکیه برای ایجاد توازن مجدد در مدیترانه (که از سوریه آغاز خواهد شد) را پیگیری می‌کند، و چرخشی را در راستای منافع (به‌خصوص ژئواکونومیک) رژیم اسرائیل ایجاد خواهد کرد عملاً فرانسه را در شرایط بحرانی و پیچیده‌ای قرار می‌دهد که می‌تواند قابلیت‌های این کشور برای تبدیل شدن به یک بازیگر مسلط در منطقه مدیترانه را تضعیف نماید و از آن سو ترکیه را به یک شریک راهبردی برای قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی جهت دستیابی به توافق‌های موثر در منطقه تبدیل نماید.



نگاه
هم‌میهن



آرمین منتظری

دبیر گروه دیپلماسی و بین‌الملل

جنگ بین اسرائیل و حماس به دومین سالگرد خود نزدیک می‌شود اما یک درگیری دیگر در شرق اسرائیل در حال شکل‌گیری است. برنامه‌های اسرائیل برای الحاق بخش‌های بزرگی از کرانه باختری، گسترش منطقه حائل ارتش اسرائیل در شمال شرقی ارتفاعات جولان و درگیری‌ها در مناطق با اکثریت دروزی در جنوب سوریه، همگی حاکی از یک دور جدید از بی‌ثباتی هستند. برخلاف جنگ اسرائیل و حماس که تا حد زیادی در غزه محدود مانده است، عملیات نظامی در این مناطق مجاور می‌تواند مستقیماً اردن را بی‌ثبات کند.

ایهود اولمرت، نخست‌وزیر اسبق اسرائیل، به شدت از بنیامین نتانیاوو و جنگ غزه انتقاد می‌کند. او معتقد است که خشونت بیش از حد پیش‌رفته و اسرائیلی‌ها به خود اجازه داده‌اند که در خشم غرق شوند. ایهود اولمرت، ۷۹ ساله، نخست‌وزیر سابق اسرائیل است. او که اصالتاً از یک خانواده مهاجر روسی است، در طول چندین دهه از چهره‌های کلیدی در سیاست اسرائیل بوده است. او به عنوان یکی از معتمدان نزدیک نخست‌وزیر آریل شارون، پس از سگته مغزی شارون در سال ۲۰۰۶، علاوه بر به دست گرفتن رهبری حزب میانه‌رو کادیما، کنترل دولت را نیز به دست گرفت. در طول دوران تصدی خود، اولمرت مذاکراتی را در مورد تأسیس یک کشور فلسطینی انجام داد، اما جنگ‌های لبنان در سال ۲۰۰۶ و غزه در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۰۹ را نیز رهبری کرد. او به دلیل اتهامات فساد علیه خود استعفا داد. امروز، او منتقد تند بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر، است.

آقای اولمرت، وضعیت انسانی در نوار غزه در روزهای اخیر به طور قابل توجهی بدتر شده است. بخش‌های بزرگی از جمعیت از سوءتغذیه حاد رنج می‌برند و مردم به طور روزانه در حالی که به شدت به دنبال غذا می‌گردند، جان خود را از دست می‌دهند. در عین حال، ارتش اسرائیل جمعیت فلسطینی را به مناطق کوچک و کوچک‌تری سوق می‌دهد. اسرائیل در تلاش برای دستیابی به چه چیزی است؟

فکر نمی‌کنم کسی در موقعیت مسئولیت بتواند به طور منطقی توضیح دهد که ما در آنجا چه می‌کنیم. من متقاعد شده‌ام که ما یک سال پیش به تمام آنچه که می‌توانست در محدوده این جنگ به دست آید، دست یافته‌ایم.

دقیقاً به چه دستورده خاصی اشاره می‌کنید؟

صادقانه بگویم، تا حدودی نظر شخصی من است: ترور یحیی سینوار...

راهبر حماس در غزه و مغز متفکر حمله ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳. او کم و بیش به طور اتفاقی توسط یک گشت اسرائیلی در نزدیکی رفح در ۱۶ اکتبر ۲۰۲۴ ترور شد.

در آن زمان، اگر نه زودتر، باید می‌گفتم: دیگر کافی است. ما به اندازه کافی کشته‌ایم، ما به اندازه کافی نابود کرده‌ایم، ما آنها را به اندازه کافی تضعیف کرده‌ایم. در آن زمان، ما باید بالاخره این سوال تعیین‌کننده را از دولت می‌پرسیدیم: آیا واقعاً می‌خواهی گروگان‌ها را بازگردانی؟

حتی کمی پس از ۱۷ اکتبر، بسیاری در اسرائیل خاطرنشان کردند که دو هدف جنگ - نابودی حماس و بازگرداندن گروگان‌ها - مانع‌الجمع هستند. چرا آن زمان حرفی نزدید؟

در ماه اول پس از ۱۷ اکتبر، من علناً چیزی نگفتم، زیرا می‌دانستم ایده‌های من برای بسیاری مسترخ به نظر می‌رسید: ما باید برای بازگرداندن همه گروگان‌ها بدون یک جنگ بزرگ مذاکره می‌کردیم.

منظورتان یک معامله برای جلوگیری از حمله زمینی است که اسرائیل در پایان اکتبر ۲۰۲۳ آغاز کرد؟

قطری‌ها در آن زمان پیامی را منتقل کردند و گفتند که حماس حاضر است فوراً همه ۲۵۱ گروگان را مبادله کند. اولین فکر من این بود که دولت حتی این پیام را بررسی نخواهد کرد. حال و هوای کشور در آن زمان حتی بررسی چنین چیزی را غیرممکن می‌کرد.

آیا چنین توافقی می‌توانست در درازمدت از یک جنگ بزرگ تلافی‌جویانه جلوگیری کند؟

حداقل این بار سنگین را از دوش ما -یا بهتر است بگویم، از قلب‌های ما- برمی‌داشت.

به دلیل شکست‌های امنیتی در ۱۷ اکتبر؟

هیچ چیز نمی‌تواند دردی را که ما از دست دادن شهروندان خود متحمل شدیم از بین ببرد. اما اگر گروگان‌ها را -به قیمت آزادی هزاران زندانی فلسطینی- بازی گردانیم، حداقل بخشی از بار برداشته می‌شد.

وقتی شما نخست‌وزیر بودید، باتبادل زندانیان فلسطینی با سرباز اسیر اسرائیلی گیلعادشالیت مخالفت کردید. بنیامین نتانیاوو، جانشین شما، در نهایت با چنین توافقی موافقت کرد و ۱۰۲۷ زندانی فلسطینی از جمله یحیی سینوار آزاد شدند.

وضعیت شالیت متفاوت بود. با وجود سربازانی که در جنگ هستند،

جنوب سوریه و کرانه باختری نقطه اشتعال منطقه

طرح‌های نتانیاوو چطور می‌تواند عربستان، ترکیه و اردن را درگیر یک بی‌ثباتی بزرگ کند

غیرنظامی در جنوب دمشق که مناطق با اکثریت دروزی در امتداد مرز شمالی اردن را در بر می‌گیرد، و ایجاد یک کریدور بشردوستانه برای تأمین غذا، کمک‌های پزشکی و مصالح ساختمانی، این طرح یک روز پس از آن اعلام شد که نیروهای اسرائیلی حمله‌ای را در نزدیکی پایتخت سوریه انجام دادند. این حمله یک عملیات زمینی نادر بود که بسیار فراتر از منطقه حائل انجام شد که اسرائیل پس از سقوط اسد در دسامبر گذشته ایجاد کرده است. اسرائیلی‌ها معتقدند که الزامات استراتژیک‌شان این است که از آنجایی که توسط دشمنان احاطه شده‌اند، مجبورند تمام تهدیدات بالقوه در امتداد مرزهای خود را عقب برند. بنابراین، تمرکز عملیات‌های جنبشی اسرائیل به سمت مرزهای شمال شرقی و شرقی آن در حال تغییر است.

در سوریه، اسرائیل یک منطقه حائل ایجاد کرده که از لبنان در شمال تا اردن در جنوب امتداد دارد. این منطقه بین دو منطقه کلیدی

با وجود خطراتی که این بی‌ثباتی می‌تواند به دنبال داشته باشد، بنیامین نتانیاوو، نخست‌وزیر اسرائیل، همچنان این رویکرد را ادامه می‌دهد. در تاریخ دوم سپتامبر، نیویورک تایمز گزارش داد که رئیس ستاد ارتش اسرائیل، رئیس موساد، مشاور امنیت ملی و وزیر امور خارجه کابینه نتانیاوو همگی با برنامه‌های نتانیاوو برای حمله جدید به غزه مخالف هستند. اما نتانیاوو در حال آماده شدن برای تشکیل کابینه امنیتی خود است تا در واکنش به تلاش‌های بین‌المللی برای به رسمیت شناختن کشور فلسطینی، الحاق بخش‌هایی از کرانه باختری را بررسی کند. نیروهای اسرائیلی همچنان در جنوب لبنان حضور دارند. درحالی‌که ایالات متحده رهبری تلاش‌های دیپلماتیک برای خلع سلاح حزب‌الله را بر عهده دارد و یک هفته پیش، نتانیاوو سه هدف بلندپروازانه اسرائیل در سوریه را تشریح کرد: حفاظت از جامعه دروزی در استان سویدا و مناطق اطراف آن، گسترش یک منطقه

روایت
سیاستمدار

DER SPIEGEL

همیشه احتمال مشخصی وجود دارد که آنها اسیر، ربوده یا کشته شوند. با این حال، در ۱۷ اکتبر، ما اجازه دادیم ۱۲۰۰ نفر در داخل مرزهای اسرائیل کشته شوند و ۲۵۱ نفر ربوده شوند. ما آنها را از روی تکبر و خودپسندی به حماس تحویل دادیم، دولت در اساسی‌ترین مسئولیت خود شکست خورد.

نتانیاوو با جنگی پاسخ داده است که امروز ادامه دارد و به نظر نمی‌رسد هدف مشخصی داشته باشد.

هیچ برنامه‌ای برای چنین عملیات بزرگی در غزه آماده نشده بود، زیرا این احتمال در نظر گرفته نمی‌شد که اسرائیل به این شکل مورد حمله قرار گیرد و مجبور به تلافی شود. وقتی جوابیدن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، تنها چند روز پس از حمله حماس از اسرائیل بازدید کرد، ابراز همدردی و همبستگی زیادی کرد، اما همچنین هشدار داد: ما نباید اجازه دهیم که خشم ما را در خود «فرو ببرد»، همانطور که پس از ۱۱ سپتامبر برای آمریکایی‌ها اتفاق افتاد. متأسفانه، ما از این توصیه پیروی نکردیم. ما اجازه دادیم بدون هیچ محدودیتی، خود را کنترل کنیم.

با این حال، برای مدتی طولانی، بایدن و بسیاری از دولت‌های غربی بدون هیچ انتقادی از جنگ اسرائیل در غزه حمایت کردند. آیا این اشتباه بود؟

بایدن، نخست‌وزیر بریتانیا، سوناک، صدراعظم شولتز، نخست‌وزیر ایتالیا، ملونی و رئیس‌جمهور مکرون می‌دانستند که اسرائیل مجبور است در جست‌وجوی رهبران حماس، باید در یکی از پرجمعیت‌ترین مناطق جهان فعالیت کند. آنها می‌دانستند که نتیجه این کار، خسارت جانبی قابل توجهی خواهد بود.

ده‌ها هزار قربانی غیرنظامی نتیجه این [اقدامات] بوده‌اند. شما اخیراً گفتید که اسرائیل در غزه مرتکب جنایات جنگی شده است. چه زمانی به این درک رسیدید؟

تعدادی رویداد وجود

دارد که می‌توان آنها

را جنایات جنگی

دانست. بیش از آنچه

فکر کنید می‌توانم

فهرست کنم. با این

حال، بیش از هر چیز،

این جنگ نامشروعی

است که از منافع

شخصی و سیاسی

نخست‌وزیر ناشی

می‌شود. در نتیجه،

سربازان اسرائیلی در

حال مرگ هستند،

گروگان‌های بیشتری

ممکن است جان

خود را از دست

بدهند و بسیاری از

فلسطینی‌های بی‌گناه

کشته می‌شوند. این

یک جنایت است. این

غیرقابل بخشش است

